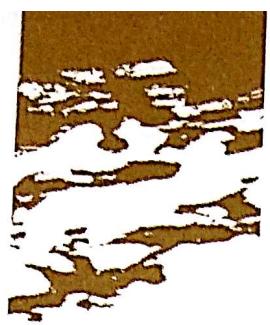


۱-۸۶۷



# مبانی اخلاق

جورج ادوارد مور  
ترجمہ غلامحسین توکلی  
علی عسگری یزدی



# فهرست

۷	سخنی با خواننده
۹	مقدمه مترجمان
۱۳	مقدمه ویراستار
۵۳	پیش‌درآمد بر ویراست دوم
۹۳	پیش‌درآمد بر ویراست اول
۹۹	فهرست تفصیلی ویرایش نخست
۱۲۳	فصل ۱: موضوع اخلاق
۱۷۱	فصل ۲: اخلاق طبیعت‌گرایانه
۲۰۱	فصل ۳: لذت‌گرایی
۲۶۹	فصل ۴: اخلاق مابعدالطبیعی
۳۱۳	فصل ۵: فلسفه اخلاق در رابطه با رفتار
۳۶۷	فصل ۶: آرمان‌یگانه
۴۲۵	غاية ویراست نخست
۴۳۹	مفهوم ارزش ذاتی
۴۶۳	اختیار
۴۸۱	ضمیمه: مبانی اخلاق و مبادی اخلاق
۴۸۵	واژه‌نامه

## سخنی با خواننده

اگر اخلاق‌شناسی (ethics) را به سه شاخه اخلاق توصیف (descriptive ethics) و اخلاق هنجاری (normative ethics) و اخلاق تحلیلی (analytical ethics) تقسیم کنیم، مبانی اخلاق جورج ادوارد مور بی‌شک و به اتفاق آراء مهم‌ترین اثری است که در قرن بیستم و، به گفته بسیاری، در همه قرون و اعصار در باب اخلاق تحلیلی نگارش یافته است. مور در این کتاب، درباره انواع چیزهایی که ارزش ذاتی دارند و انواع کارهایی که باید انجام دهیم بحث می‌کند و مراقبت تمام دارد که به دام مغالطه طبیعی گرایانه، که به گمان وی دامن‌گیر همه نظریه‌های اخلاقی پیشین شده است، نیفتند.

روش نگارش واضح و آسان‌یاب مور سبب شده است که اثر وی از محدود آثار ماندگار فلسفی‌ای باشد که خواندن‌شان بدون داشتن معلومات فراوان قبلی و بدون نیاز به شارح و معلم چندان دشوار نباشد.

از سوی دیگر، دقت و عمق نظر وی اثری واقع‌نگرانه، به دور از خیال و رؤیاپردازی، و کاملاً عقلانی پدید آورده است که چه با مطالب آن موافق باشیم و چه نباشیم، به هر تقدیر، موجبات تنبیه و تفطن ما را در مسائل و مشکلات اخلاقی فراهم می‌آورد، و نیز بصیرت ما را نسبت به آراء بسیاری از فیلسوفان اخلاق مقدم بر مور، که سخنان وی ناظر به آنهاست، می‌افزاید.

از نظر معناشناصی اخلاق، مور، در این کتاب، از این رأی دفاع می‌کند که همه

مفاهیم اخلاقی، که در گزاره‌های اخلاقی محمول واقع می‌شوند، یعنی درست و نادرست، باید و نباید، وظیفه و مسئولیت، در نهایت به مفهوم خوب (و بد) قابل ارجاع و تحویل و بر حسب آن تعریف پذیرند، ولی خود مفهوم خوب هیچ تعریفی نمی‌پذیرد. از نظر معرفت‌شناسی اخلاق، مدافعان شهودگرایی (intuitionism) است که به مقتضای آن، خوبی (و بدی) افعال ارادی آدمی قابل شهود است؛ یعنی انسان‌ها درک شهودی و غیراستنتاجی از آن دارند، و همه توجیهات احکام اخلاقی بالمال به این شهود برمی‌گردد. و بالاخره، از نظر وجودشناسی اخلاق، به نوعی از پیامدگرایی (consequentialism) که به سودگرایی (utilitarianism) معروف است، سخن می‌گوید و، از این حیث، در تقابل کامل با کانت واقع می‌شود.

پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی با تشکر از مترجمان محترم جناب آقای دکتر غلامحسین توکلی و دکتر علی عسگری یزدی، لازم می‌داند از استاد گرامی جناب آقای مصطفی ملکیان که با دقت و اهتمام مخصوص به خود ترجمه را با متن اصلی مقابله و تصحیح کردن، تقدیر و سپاس‌گزاری کند. در ضمن لازم است این نکته را متذکر شویم که جناب آقای دکتر عسگری از بند ۱ تا ۶۰ اصل کتاب را ترجمه کرده‌اند و ترجمه بقیه کتاب (تقریباً دو سوم) و بازنگری نهایی تمام ترجمه بر عهده آقای دکتر توکلی بوده است.

امیدواریم عرضه کتاب بسیار مهم و کلاسیک مبانی اخلاق بتواند گامی مؤثر در جهت غنابخشی و توامندسازی فرهنگ مکتوب ما باشد.

علی رضا آل بویه

مدیر پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی

## مقدمه مترجمان

جورج ادوارد مور (۱۸۷۳-۱۹۵۸) از فیلسفان شاخص قرن بیستم، در انگلستان زاده شد و دوره تحصیلی اش را در دانشگاه کیمبریج سپری کرد. نوشهای وی تأثیری گسترده بر اندیشه فیلسفان این قرن داشته است. تأثیر پیش از آنان گوتلوب فرگه، بانیان سنت تحلیلی در فلسفه‌اند که امروزه در جهان انگلیسی زبان، سنتی فائق است.

مور در کنار انگارگرایانی مانند برادلی و مک تاگارت در کیمبریج تحصیل کرد، اما از اولین زعمای طغيان در برابر انگارگرایي (ايده آليس) مطلق به شمار می‌رود. وی کار خود را با مقاله «ماهیت حکم»<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۹ با ارائه تحلیل‌های دقیق در باب مغالطه و حقیقت آغاز و در مقاله «رد انگارگرایي»<sup>۲</sup> در ۱۹۰۳ ادامه داد. تلاش مور در مقاله «دفاعی از فهم مشترک»<sup>۳</sup> (۱۹۲۵) رد شکاکیت و انگارگرایی است. استدلال او از اینجا شروع می‌شود که دست کم بخشی از باورهای ما در باب جهان قطعی هستند. ما به صدق بسیاری از قضایا در باب خود، بدن خود و دیگران باور داریم، گو این که نتوانیم تحلیل‌هایی صحیح از این

- 
1. “The nature of judgment”
  2. “The refutation of idealism”
  3. “A defence of common sense”

قضايا ارائه دهیم. وی اینها را فهم مشترک می‌نامد. انگارگرایان و شکاکان به نحوی ناموجّه این شناخت روزمره و ساده را منکرند. روشی که مور در پیش می‌گیرد این است که صبورانه و روش‌مند به تحلیل واژه‌ها می‌پردازد. وی جملاتی را که علی الدوام در فلسفه استفاده می‌شوند، از هم تغییز داده، با بیان معانی مختلفی که یک جمله می‌تواند داشته باشد، توضیح می‌دهد که چگونه خلط این معانی و عدم تفکیک آنها، به اشتباهات فاحش و انواع مغالطه‌ها انجامیده است. تعلق خاطر مور به این مسائل در کتاب برخی مشکلات اساسی فلسفه<sup>۱</sup> (۱۹۵۳) ادامه می‌یابد. در حوزه اخلاق نیز وی همین روش را پی می‌گیرد. اولین کتاب مشهور او در این عرصه مبانی اخلاق<sup>۲</sup> (۱۹۰۳) و دومین کتابش فلسفه اخلاق<sup>۳</sup> (۱۹۱۳) است که در آن به بازنگری برخی از دیدگاه‌های قبلی خود در مبانی اخلاق پرداخته است.

این اثر ترجمه *Principia Ethica* (مانی اخلاق) مور است که در آن به فرا اخلاق پرداخته است.

در فلسفه اخلاق بسیاری سعی دارند مفاهیم اخلاقی را به مفاهیم طبیعی ارجاع دهند؛ برای مثال خوب را معادل لذت یا مطلوب می‌دانند، در صورتی که مور آن را مغالطه دانسته و آن را مغالطه طبیعت‌گرایانه می‌نامد. در این حوزه نیز مور با به کارگیری همان روشی که در برابر انگارگرایان داشت نشان می‌دهد که خوب، مفهومی بسیط و غیرقابل تعریف است. در این زمینه، استدلالی دارد که به «برهان سؤال مفتوح» شهره است. بر اساس این استدلال،

1. *Some Main Problems of Philosophy*

2. *Principia Ethica*

3. *Ethics*

این کتاب را آقای اسماعیل سعادت به فارسی ترجمه کرده است.

خوب خاصه‌ای بسیط، غیرقابل تعریف و غیرقابل ارجاع به مفاهیم طبیعی است. این دیدگاه مور به ناطبیعت‌گرایی اخلاقی معروف است، از این‌رو، کتاب مبانی اخلاق که در آن دیدگاه او شرح و بسط داده شده، یکی از مهم‌ترین منابع اهام‌بخش علیه طبیعت‌گرایی اخلاقی است و تا حدی در شکل‌گیری فرالخلاق که دغدغه قرن بیستم است، مؤثر بوده است.

به هر حال، مور را باید از چهره‌های مؤثر و ماندگار قرن بیستم دانست، اما شهرت وی بیشتر محدود به محافل فلسفی است و با این‌که فیلسوفان آثارش را به دیده اعجاب و تحسین می‌نگرند، در محافل غیرفلسفی از شهرت هم‌کالمجی اش راسل برخوردار نیست.

توجه به این نکته ضروری است که صفحات مورد اشاره مؤلف و ویراستار چاپ دوم طبعاً به شماره صفحات در متن انگلیسی ارجاع می‌کنند. ما نیز برای تسهیل کار خواننده‌گرامی در حاشیه بیرونی صفحات ترجمه شماره صفحات متن انگلیسی را با ارقام فارسی نشان داده‌ایم.

در پایان لازم است از استاد گران‌مایه جناب آقای مصطفی ملکیان که زحمت ویراستاری کتاب را عهده‌دار شده و متن اصلی را با دقیق و وسوس با ترجمة فارسی اनطباق داده و بدین سان، ما را رهین منت خود ساخته‌اند، تشکر کنیم. هم‌چنین از زحمات دست‌اندرکاران پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، به‌ویژه دوست عزیز جناب حجۃ الاسلام والملمین آقای علی‌رضا آل بویه، مدیر محترم پژوهشکده که در به سامان رسیدن هرچه بهتر این ترجمه زحماتی را متحمل شدند، قدردانی می‌شود. در عین حال، مسئولیت هر گونه کاستی که احیاناً در ترجمه مشاهده می‌شود، به عهده مترجمان است.

غلامحسین توکلی  
علی عسگری یزدی

## مقدمه ویراستار

در اوایل ۱۹۹۲ تیموثی مور مجموعه در خور توجهی از دستنوشته‌های فلسفی پدرش را به کتابخانه دانشگاه کیمبریج سپرد. در میان این مجموعه، دستنوشته چشم‌گیری با عنوان «پیش‌درآمد بر ویراست دوم» وجود دارد که هر چند ناتمام است، به خودی خود از اهمیت قابل توجه برخوردار است. مدقق قبل دکتر سی. لئوی<sup>۱</sup> (در درسنوشتۀ خویش «جی. ئی. مور و مغالطة طبیعت‌گرایانه»<sup>۲</sup>) محتويات این دستنوشته را توصیف کرده بود. هنگامی که آن را دیدم به انتشارات دانشگاه کیمبریج پیشنهاد کردم که آن را در چاپی جدید از مبانی اخلاق بگنجانند. از قضا معلوم شد که آنان قبلًا و به دلایل دیگر در فکر امکان ارائه چاپ جدیدی از کتاب بوده‌اند، لذا از این‌که اندراج این پیش‌درآمد تا به حال چاپ نشده بر اهمیت کتاب می‌افزاید، خوشحال شدند. هم‌چنین تصادفاً معلوم شد که انتشارات رو تلخ در نظر دارد گزیده جدیدی از مکتوبات فلسفی مور را با تکیه بر نوشهای او درباره مابعد‌الطبیعه بیرون دهد<sup>۳</sup>. لذا بنا شد طبع جدید مبانی اخلاق حجمی‌تر شود تا مجموعه بدیلی از نوشهای اخلاقی مور شکل‌گیرد و دو قطعه مهم از آخرین نوشهای اخلاقی او نیز که در غیر این صورت،

---

1. C. Lewy

2. *Proceedings of the British Academy L* (1964), pp. 251-62.

3. G. E. Moore: *Selected Writings*, ed. T. R. Baldwin (Routledge, London: 1993).

بی مصرف می‌ماند و به چاپ نمی‌رسید، در آن گنجانده شود - فصل «اختیار» از کتاب فلسفه اخلاق او و مقاله او با عنوان «مفهوم ارزش ذاتی» از کتاب مطالعات فلسفی اش. میان مقاله چاپ ناشده «پیش‌درآمد بر ویراست دوم» و «مفهوم ارزش ذاتی» ارتباط موضوعی وثیق برقرار است، از این‌رو، اگر بتوانیم آن دو را با هم در این مجلد جای دهیم، کاری بسیار ارزشمند خواهد بود.

پیداست که مور تلاش داشته با نوشتن این پیش‌درآمد جدید، طبعی جدید از مبانی اخلاق ارائه دهد. در واقع، او این تلاش را رها کرد و هنگامی که کتاب در ۱۹۲۲ تنها با برخی تصحیحات مربوط به متن تجدید چاپ شد، کسی این تجدید چاپ را ویراسته دوم تلقی نکرد. از پاراگراف‌های آغازین پیش‌درآمد بر می‌آید که مور واقعاً در ابتدا به فکر بازنویسی اساسی خود متن بوده است و نامه‌ای که در نوامبر ۱۹۲۱ به انتشارات دانشگاه کیمبریج نوشته مؤید این مدعاست. وی در آن نامه می‌نویسد: من «نهایتاً ایده کوشش برای تهیه ویراسته دومی از کتابم [یعنی] مبانی اخلاق را به کناری نهادم، دلیلش این بود که کتاب برای آن که بتواند نظریات کنونی مرا ارائه دهد، نیاز به تصحیحاتی داشت، آنقدر زیاد، که تنها یک کتاب کاملاً جدید می‌توانست از عهده آن برآید.»<sup>۱</sup> هر چند مراسلاتی نیافتم که با پیش‌درآمد چاپ شده در اینجا مرتبط باشد، گمان می‌کنم که طرح نوشتن این پیش‌درآمد قاعده‌تاً بایستی در اوخر ۱۹۲۱ به ذهن مور خطور کرده باشد؛ یعنی زمانی که وی کار بازنویسی کل کتاب را رها کرده بود. ظاهراً او امید داشته است که بدین ترتیب، می‌تواند به نکاتی اشاره کند که فکر می‌کرده بحث مربوط به آن در کتاب رضایت‌بخش نیست، در عین حال، قضایایی را که به نظرش «علی‌الاصول هنوز صادق» و «شایسته تأکیدند»، روشن خواهد ساخت. وضعیت ناتمام این

۱. اصل نامه در آرشیو انتشارات دانشگاه کیمبریج در کتابخانه این دانشگاه موجود است.

دست نوشته حکایت از آن دارد که مور در نهایت، احساس می‌کرده که نمی‌تواند حتی این پروژه محدود را به سرانجامی مطلوب برساند، لذا این طرح را یک سره رها کرده است و وقتی کتاب در ۱۹۲۲ تجدید چاپ می‌شده، صرفاً جملاتی چند به پیش درآمد چاپ اول افزوده است. پس وقتی خواننده پیش درآمد جدید را می‌خواند باید در نظر داشته باشد که مور صریحاً تصمیم داشته آن را چاپ نکند. به تعبیر دیگر، هر چند این پیش درآمد در مورد اندیشه‌های اخیر وی در باب نظریه اخلاقی، راهنمایی ارزشمند است، به تعبیری، مهر تأیید او را در آغاز خود ندارد.

## ۱

مبانی اخلاق در اکتبر سال ۱۹۰۳ انتشار یافت. لیتون استراچی<sup>۱</sup> دوست مور بی‌درنگ آن را خوانده و شورمندانه خطاب به وی نوشت:

به نظر من، کتاب شما نه تنها همه نویسنده‌گانی را که در باب اخلاق قلم زده‌اند، از ارسطو و مسیح گرفته تا هربرت اسپنسر و آقای برادلی، شکسته و در هم کوبیده است، نه تنها شالوده‌های درست را برای فلسفه اخلاق بنا نهاده، نه تنها تمامی فلسفه جدید را پشت سر گذاشته است - اینها همه در نظر من، در قیاس با تأسیس روشی که چونان شمشیری در میان سطور، می‌درخشد، دست آوردهایی ناچیزند. این روش علمی است که برای اولین بار هوشمندانه در استدلال به کار گرفته شده است... من اکتبر ۱۹۰۳ را آغاز عصر خرد می‌دانم.<sup>۲</sup>

امروزه بعید است که ما در این شور و حرارت اغراق آمیز استراچی سهیم شویم، اما مبانی اخلاق هم‌چنان یکی از رساله‌های محوری اخلاق در قرن بیستم

1. Lytton Strachey

2. نامه‌ال استراچی به مور، مورخ ۱۱ اکتبر ۱۹۰۳؛ این نامه در میان نوشتهدانی مور در کتابخانه دانشگاه کیمبریج موجود است.

به شمار می‌آید. اهمیت آن، هم به دلیل مفهوم نظریه اخلاقی پیشنهادی آن است و هم به دلیل گرامی داشت ارزش هنر و عشق است. در آغاز، تأثیر کتاب تا حدّ وسیعی به حلقه دوستان و شاگردان مور، مثل لیتون استراچی، لئونارد ول夫<sup>۱</sup> و مینارد کینز<sup>۲</sup> محدود نماند که پیشاپیش با خطوط کلی موضع مور آشنا بودند، اما پس از تجدید چاپ کتاب در سال ۱۹۲۲، آنگاه که تأثیر فلسفه ایدئالیستی ا.ج. برادلی<sup>۳</sup> و دیگران به سرعت کاهش می‌یافتد، مبانی اخلاق به عنوان متنی کلاسیک در عرصه نظریه اخلاقی تحلیلی به رسمیت شناخته شد.

هنگام چاپ کتاب تنها سی سال از سن مور می‌گذشت. این دوران مصادف بود با اوخر دوران عضویت افتخاری او در کالج ترینیتی کیمبریج. وی قبلًا در همین کالج دانشجو بود و زبان و ادبیات روم و یونان باستان و علوم اخلاقی (یعنی فلسفه) را فرامی‌گرفت. در بخش دوم امتحان علوم اخلاق به سال ۱۸۹۶ با رتبه اول فارغ‌التحصیل شده بود. در آن زمان، اگر کسی می‌خواست یک دوره آکادمیک را دنبال کند، یک راه این بود که عضویت افتخاری را در کالج مربوطه به دست آورد. انتخاب به این سمت منوط بود به رساله‌هایی که نامزدهای این سمت عرضه می‌داشتند، لذا مور یک سال پس از فارغ‌التحصیلی، یعنی در سال ۱۸۹۷، رساله‌ای را به کالج ترینیتی عرضه داشت. وی این بار توفیق به دست نیاورد، ولی سال بعد را وقف بازنویسی رساله‌اش کرد و این نسخه بازنویسی شده را در ۱۸۹۸ ارائه کرد و برای شش سال به عضویت افتخاری پذیرفته شد.

---

1. Leonard Wolf

2. Maynard Keynes

3. F. H. Bradley

بخش اعظم متن نسخه اصلی دو رساله مور، به جا مانده است<sup>۱</sup> و همان‌گونه که از عنوان (مشترک) آنها - «مبنای مابعدالطبيعي فلسفه اخلاق» - بر می‌آید می‌توان آنها را نقطه شروع یک پژوهه فکری دانست که در مبانی اخلاق به اوچ خود می‌رسد. در واقع، این رساله‌ها با مقدمه‌ای آغاز می‌شوند که در آن مور چیزی را نقد می‌کند که آن را مغالطه‌ای که در تمامی تعاریف تجربی «خوب» نهفته است، می‌خواند. وی همین اندیشه را دوباره تحت عنوان «مغالطة طبیعت‌گرایانه» شرح داده، که یکی از موضوعات اصلی مبانی اخلاق است. اما این دو رساله، اختلافی فاحش دارند و این به دلیل پیش‌فرض‌هایی است که در حیطه آنها نظریه‌های تجربه‌گرایانه یا طبیعت‌گرایانه ارزش، نقد می‌شوند. در رساله ۱۸۹۷، مور بسیار خرسند است که این نظر ایدئالیستی را قبول کند که جهان مأнос تجربی و زمانی - مکانی، شبکه‌ای از غودارهاست که در واقعیتی عاری از زمان که از حیطه ادراکات ما فراتر می‌رود، ریشه دارد. او حتی قبول می‌کند که این واقعیت متعالی، با ارزش رابطه‌ای ضروری دارد. اما یک سال بعد ایمان خود را به چنین واقعیت متعالی و همراه با آن، به این نحوه فراهم‌سازی یک مبنای مابعدالطبيعي برای اخلاق نیز از دست داده است. اما نه این که این بار به یک رئالیسم تجربی فراگیر روی آورد که نتیجه‌اش یک نظریه ارزشی تجربه‌گرایانه (یا طبیعت‌گرایانه) باشد، بلکه حداقل در نظریه اخلاقی خویش، تتمه‌ای از ایدئالیسم قبلی خویش را حفظ می‌کند، چون

۱. این رساله‌ها در کتابخانه کالج ترینیتی کیمبریج موجود است. مقاله قدیمی مور «آزادی»، (Mind n. s. 7, 1898, pp. 179-204) از رساله ۱۸۹۷ (Mind n. s. 8, 1899, pp. 179-93) از رساله ۱۸۹۸ (Mind n. s. 9, 1900, pp. 1-20) از رساله ۱۹۰۰ می‌گرفته شده و بر حوالی این رساله دلالت دارد، هر چند مور به هنگام آماده‌سازی مقاله برای چاپ تغییراتی در آن صورت داد. مقاله بعدی او «ماهیت قضاؤت» (Mind n. s. 8, 1899, pp. 179-93) از رساله ۱۸۹۸ (Mind n. s. 9, 1900, pp. 1-20) از رساله ۱۹۰۰ می‌گرفته شده و مقایسه آن با مقاله «آزادی» تحول حاد در مابعدالطبيعه مور را در این زمان نشان می‌دهد. هر دو مقاله در کتاب زیر تجدید چاپ شده است:

G. E. Moore: *The Early Essays*, ed. T. Regan (Temple University Press, Philadelphia: 1986).